

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

روزنامه‌ای که می توانستیم نه آن که می خواستیم



جهانگیر بهروز، روزنامه‌نگار پیشکسوت، سال ۱۳۰۵ در مشهد متولد شد. از دوران دبیرستان به روزنامه‌نگاری متمایل شد و در کار خبرنگاری جرات و شهامتی خاص از خود نشان داد. بی‌پروایی‌های وی در سال‌های نخست روزنامه‌نگاری‌اش چنان بود که قیل که سی‌سالگی سه‌بار دستگیر شد. بعد از تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) نیز شانزده بار بازداشت شد. گزارش‌های اولیه وی در روزنامه ایران به چاپ رسیده و بعد از آن در «روزنامه ایران ما» به مدیریت جهانگیر تفضلی نیز گزارش‌ها و مقالاتی نوشت و روزگاری هم «قیام ایران» را بنیان نهاد که نجف دریابندری، شاه‌رخ مسکوب، سیاوش کسرای و محمدجعفر محجوب در آن قلم زدند. وی در سال ۱۳۴۸ با تأسیس موسسه آیندگان به عضویت هیات مدیره این موسسه درآمد که داریوش همایون مدیرعامل آن بود، و از اولین شماره روزنامه آیندگان، غلامحسین صالحیار سردبیری‌اش را به عهده گرفت. یک سال بعد، با خروج صالحیار، هیات مدیره موسسه آیندگان، جهانگیر بهروز را به سردبیری گماشت اما هم‌زمان با هزارمین شماره آیندگان که وی در سرمقاله آن نوشت «این روزنامه‌ای بود که می‌توانستیم نه آن که می‌خواستیم»، پادشاه به شدت خشمگین شد و بنا به دستور ساواک با بهروز از سمت خود معاف شد و سردبیری را به معاون خود سپرد.

از آن زمان جهانگیر بهروز وقت خود را صرف موسسه اکواف ایران کرد که چند نشریه انگلیسی‌زبان داشت و از جمله معدود منابع خبری جهان در مورد ایران بود.

وی سرانجام در ۸۸سالگی بر اثر حادثه‌ای در لندن به کما رفت و روز ۵ دی ۱۳۹۳ درگذشت.

خودزنی / محیط‌زیست

تخلف علنی سازندگان سد مخزنی پل‌رود

سازندگان سد مخزنی پل‌رود که صدور مجوز ارزیابی زیست محیطی آن در سال ۱۳۹۰ مورد تأیید کارشناسان نبود، اکنون قصد دارند ارتفاع سد را از آنچه در گزارش ارزیابی آمده نیز ۲۵ متر بالاتر ببرند. هدف از ساخت سد مخزنی پل‌رود ذخیره و تنظیم آب رودخانه پل‌رود بود که دومین رودخانه بزرگ استان گیلان است. اعلام شد که با ساخت آن امکان آبیاری بالغ بر ۲۷ هزارهکتار از اراضی شالی کاری و باغ‌های شهرستان‌های رودسر و املش و تأمین آب شرب پنج شهر بزرگ شرق گیلان (رحیم‌آباد، رودسر، کلاچای، املش و چابکسر) به میزان ۴۰ میلیون مترمکعب در سال فراهم می‌شود اما بعدها تأمین انرژی برق آبی به میزان ۷۰ جیگاوات در سال هم به این اهداف افزوده شد. یک فعال محیط زیست و استاد دانشگاه می‌گوید: ارتفاع این سد قبلاً ۷۰متر بود و در تمام اخباری هم که قبلاً منتشر می‌شد ۱۷۰اعلام شده بود. اما الان شمار در همه اخباری که از سال ۱۳۹۳ به این طرف منتشر می‌شود می‌بینید ارتفاع تاج سد ۱۰۰ متر اعلام می‌شود و این یعنی در یک سال اخیر ۳۰متر به ارتفاع این سد اضافه‌شده است. این سد قبلاً اصلاً کارکرد نیروگاهی نداشته و مخزنی بوده است. بعد دیدند که سر و صدایی نیست و از اعتراض خبری نیست و این ارتفاع را از ۷۰ به ۱۰۰ تبدیل کرده‌اند تا نیروگاه را هم به این اضافه کنند. دکتر حمید درویدیان اهداف کشاورزی سد را نیز تأیید نمی‌کند و می‌گوید: در تمام رودسریک مترمربع به من زمین نشان بدهید که در اثر ساخت این سد، سطح زیر کشت آن بالا برود. اینجا اصلاً چنین فضایی وجود ندارد. اصلاً ۶۰۰۰هکتار زمین خالی که منتظر آب باشد در این منطقه وجود ندارد که ما سدر اسیازیم و برای آن آب تأمین کنیم. معاون محیط زیست انسانی سازمان محیط زیست نیز نظر مساعدی در باره سد پل‌رود ندارد. دکتر سعید متصدی می‌گوید: سازمان محیط زیست با سدسازی تنها برای تأمین آب شرب موافق است و آن هم به جهت اهمیت موضوع تأمین آب شرب است. اما به دلیل مشکلات کشور در زمینه تأمین آب با سدسازی برای صنعت و کشاورزی و دیگر اهداف موافق نیست. وی در پاسخ به اینکه ارتفاع مجاز سد در گزارش ارزیابی ۷۵ متر بوده اما اکنون رسماًصحت از تاج ۱۰۰ متری می‌شود، تصریح می‌کند: اگر در گزارش ارزیابی عدد۷۵قید شده‌باشد به هیچ عنوان تغییر ارتفاع رانمی‌پذیریم. در متن گزارش ارزیابی به سادگی از کنار این موضوع که چند هکتار جنگل باید قطع شده و یا زیر آب غرق خواهد شد، عبور شده است و تنها در یک بخش به صورت خیلی گذرا اشاره شده است که در محدوده مخزن سدپل رود حدود ۱۵۰ هکتار قطع اراضی جنگلی و باغی مغروق خواهد شد. با این حال به نظر می‌رسد با توجه به ضرورت احداث جاده جناحین از سمت راست و چپ و همین‌طور تأسیسات جانبی میزان جنگل تراشی لازم از ۱۵۰ هکتار نیز بیشتر باشد.

همه این موارد افزون بر سیاست کلی سازمان محیط زیست در محدودکردن سدسازی به منظور تأمین آب شرب باعث می‌شود صدور تأییدیه گزارش ارزیابی برای سد مخزنی پل‌رود از اساس زیر سوال باشد اما از آنجا که این مجوز در سال‌های گذشته صادر شده است اکنون باید به انتظار نشست و دید که آیا تخلف ۳۰ متری سدسازان که با توجه به شیب بسیار کم دره منتهی به سد، سطح تخریب را در ابعاد بزرگی بیشتر خواهد کرد، منجر به واکنش قانونی سازمان محیط زیست خواهد شد؟



فارسی را پاس بداریم

سین مثل سواد؛ میم مثل مناطق محروم

فردا هفتم دی ماه است؛ سالروز تشکیل نهضت سوادآموزی؛ نهضتی که هرگز تمامی نخواهد داشت. سازمان نهضت سوادآموزی ایران در سال ۱۳۵۸ به فرمان حضرت امام خمینی (ره) تشکیل شد؛ با این هدف متعالی که همهٔ چه‌بزرگسالان ـ چه کودکان ـ از نعمت دانش خواندن و نوشتن بهره‌مند باشند. خصوصاً آنان که در مناطق محروم زندگی می‌کنند و به امکانات سوادآموزی دسترسی ندارند. بچه‌های دههٔ ۶۰ خوب به یاد دارند روزهایی را که مادر بزرگ و پدر بزرگ‌های بی‌سواد در مساجد یا کلاس‌های دبستان دور هم جمع می‌شدند تا سواد بیاموزند. کلاس‌هایی که همیشه مزین به یک تابلوی سیاه و سفید بود. تابلویی که یک تخته سیاه کوچک را در ذهن تداعی می‌کرد و روی آن دست‌پی‌س از نوشتن «ا ـ ب ـ پ» در حال نوشتن «ت» و تنها دندانه نخست آن را نگاشته بود با شعاری در بالای تابلو که: «ایران را مدرسه کنیم» و پایین تابلو هم نقش بسته بود: «سازمان نهضت سوادآموزی». سوادآموزی به بزرگسالان البته پیشینه‌ای دورتر دارد. برای نخستین بار بنا به ماده هشتم «قانون اعتبار برای تشکیل مدارس ابتدایی و تعلیمات عمومی» که

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

از کوه‌های کاتو تا کانال ماهی

خاطرات شفاهی سردار کوروش آسیابانی منتشر شد

خاطرات شفاهی سردار کوروش آسیابانی، جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای غرب سپاه، با عنوان «از کوه‌های کاتو تا کانال ماهی» به قلم رحیم زارعی منتشر شد. این کتاب در ۱۳ فصل با عنوان‌های دوران کودکی، دوران نوجوانی، جبهه‌های غرب، درد ورنج‌های دومین محرومیت، حضور در جبهه‌های ایلام، عملیات والفجر ۸، حماسه‌های ارتفاعات کاتو و لری، سقوط مهران، اعزام به دوره دافوس، ادامه دوران دافوس، عملیات مرصاد، آتش بس، غم فراق امام، و تمهید اردوگاه و استقبال از آزادگان تدوین شده است.

زارعی در مقدمه کتاب می‌نویسد: «در تدوین خاطرات سردار کوروش آسیابانی ذکر چند نکته ضروری می‌نماید؛ اولاً خودشان با وسواس تمام مقید به نقل واقعیت‌ها بود. حتی مواردی شنیدنی از خاطرات خود را به خاطر تردید ناچیزی حذف می‌کرد. ثانیاً اتفاقات، جریانات و چارچوب کلام همان چیزی است که ایشان بیان داشته است.»

وی در ادامه یادآور می‌شود: «گاه برای تأیید مطلبی و یا نامی با بسیاری از افراد تماس گرفته شد. در ویرایش، تدوین و به ارکان جمله بستن واژه‌ها دقت فراوان گردید تا سلامت و سندیّت خاطرات آسیبی نرسد و اگر جمله یا جملاتی ابهام داشت و مفهوم روانی از آنها دریافت نمی‌شد، سعی بر آن بوده نزدیک‌ترین واژه‌گزینش شود و در نهایت به تأیید سردار آسیابانی برسد. یادآور می‌شوم اظهارنظرها، تشریح وضعیت‌های جغرافیایی، حدس‌ها و تحلیل‌های ایشان که به‌نظم ارتباطی با تاریخ شفاهی نداشت از متن‌ها حذف گردید. نکته دیگر اینکه آقای آسیابانی خیلی علاقه‌مند بود، هر فصل از خاطرات ایشان را بدون سؤال و یا با کم‌ترین پرسش مرور کنیم و ایشان از آغاز تا پایان به روایت خاطرات خود بپردازد.

ناخودآگاه این خواست و کشش در قسمت‌هایی از بیان خاطرات نمود دارد. ده‌ها سؤال از مصاحبه

باز آی، که از جان اثری نیست مرا
مدهوشم و از خود خبری نیست مرا
خواهم که به جانب تو پرواز کنم
اما چه کنم،بال و پری نیست مرا
(هلالی جغتایی، قرن دهم، رباعیات)

سوت‌بان

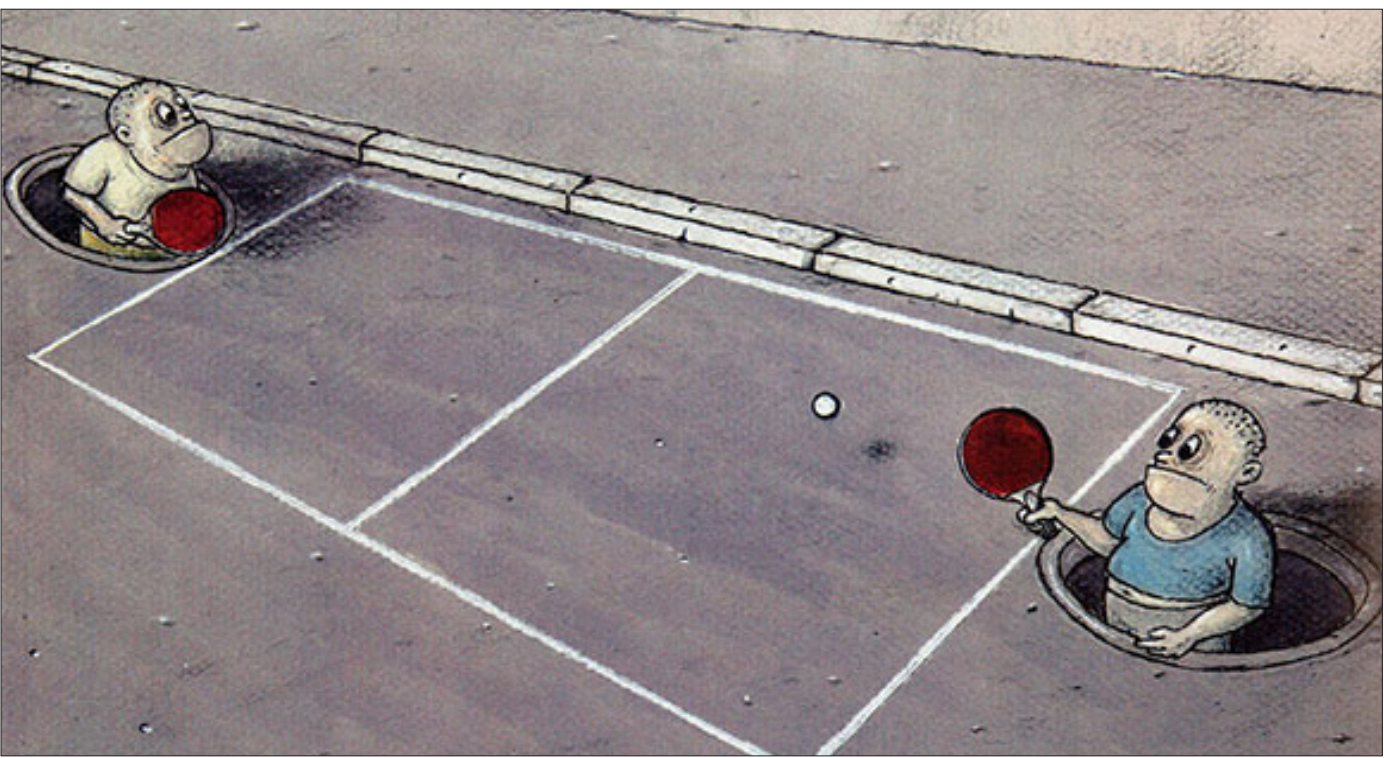
اولیه حذف گردید تا انسجام مطلب برای خواننده حفظ شود و پرسش‌های غیرضروری اصلاح گردد. ذهن ایشان متأثر از کارهای دقیق شناسایی به‌رغم آسیب‌های جسمی و فاصله زمانی قریب به سه دهه، الحمدالله در بیان و یادآوری خاطرات گذشته و تجسم آنها عالی بود.»

در صفحه ۶۱ کتاب «از کوه‌های کاتو تا کانال ماهی» می‌خوانیم: «یکی از پزشکان بیمارستان روی دستم کار کرد ولی بی‌فایده بود. سه چهار بار دستم را گچ گرفتند و شکستند. حدود هجده روز بستری بودم تا اینکه به اصرار مادرم پیش یکی از جراحان محلی که به «پسر حاجی احمد» معروف بود، رفتیم. آدم خیره‌ای بود. منزل ایشان نزدیک پل آبشوران بود. با دستگاهی که داشت گچ را باز کرد. دستم خیلی درد می‌کرد. روغنی را روی دستم مالید و گفت: «فردا بیار بدش.» بعد هم به قول معروف دست وبال گردن شد. فردا که دوباره برگشتیم از من پرسید: «حال دستت چه‌طوره؟» گفتیم: «خوبه!»

دستم را گرفت، آرام گذاشت روی زانوی خودش و یک دقیقه آن را شکست. ناخودآگاه و با خشم دستش را چسبیدم اما او دستم را گرفت. داشتم می‌مردم. چند بار دستم را شکسته بودند. حالت ضعف و بی‌هوشی داشتم. می‌شنیدم که جراح مرتب می‌گفت: «اشکالی نداره.»

با چوب، مقوا، داروپنبه، آتلی برایم درست کرد. البته محل زخم را باز گذاشت. به حالت قهر و شوخی به مادرم گفتم: «چون منو پیش این جراح آوردی می‌رم دیگه برنمی‌گرم…»

گردش روزگار برعکس است



عده‌ای معتقدند: محرومیت، خلاقیت انسان را شکوفای کند!

طرح: Ahmet Ozturk/levent / ترکیه

با کاروان حله / اخبار هنر

جشنواره لباس اقوام ایرانی افتتاح شد



آیین گشایش جشنواره پیوند و پوشاک اقوام ایرانی صبح روز یکشنبه ۶دی‌ماه در نگارخانه آسمان برگزار شد، در حالی که در سالن جماعتی با پوشش‌های رنگارنگ که از اقوام و عشایر مختلف به تهران آمده بودند حضور داشتند و فضایی شاد و زنده به وجود آوردند. پس از سخنان محمدامین سازگارنژاد، رئیس سازمان فنی و حرفه‌ای کشور، در ابتدای مراسم فضا برای انجام مراسم عقدزنجی از کهنکلیوه و بویر احمد آماده شد. روی صحنه چادری عشایری با همه لوازم زندگی داخل آن برپا شده بود و نوازندگان ساز و نقاره به همراه خواننده در کنار آن نشستند تا موسیقی مراسم را اجرا کنند. نکته جالب در این برنامه واقعی بودن مراسم عقد بود. برای آشنایی حاضران در سالن با مراحل مختلف یک ازدواج سنتی در کهنکلیوه و بویر احمد، انجام شد و در طول این مراسم صدای کل کشیدن زنان داخل سالن با موسیقی همراه بود.

پس از آن عروس با لباس سفید و توری که بر سر داشت در کنار داماد نشست و عاقد با جملاتی خاص و در حالی که با ترکه‌ای نازک روی سر عروس ضربه می‌زد مراسم عقد را اجرا کرد. با پایان یافتن مراسم عروسی همه حاضران برای افتتاح و بازدید از نمایشگاه لباس اقوام ایرانی به سالن دیگری رفتند که پر از لباس‌های رنگارنگ بود. این نمایشگاه تا ۱۶دی‌ماه از ساعت ۱۰ تا ۱۸ به آدرس زعفرانیه، خیابان شهید فلاحی، بالاتر از خیابان شیرکوه، پلاک ۴۸، در نگارخانه فرهنگی و هنری آسمان برقرار است.

ویولن نواز شهیر روس در تهران



نیمه دی‌ماه، پاگانینی مسکو، کنسرت ویولن چایکوفسکی را به تالار وحدت می‌آورد. به نقل از روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، ماکسیم فدوتف مشهور به «پاگانینی مسکو» برای برگزاری چهار کنسرت به دعوت علی رهبری مدیر هنری ارکستر سمفونیک تهران هفته آینده به ایران می‌آید. ماکسیم فدوتف یکی از مشهورترین ویولن‌نوازهای روسیه و فرزند رهبر مشهور روسی ویکتور فدوتف

است. اوفارغ‌التحصیل کنسرواتوار پترزبورگ است و از سال ۲۰۰۳ به‌عنوان مدیر هنری ارکستر سمفونیک روسیه فعالیت می‌کند. فدوتف در حال حاضر پروفیسور کنسرواتوار مسکو است و با بزرگ‌ترین و مشهورترین ارکسترهای دنیا در تمام قاره‌ها کنسرت برگزار کرده است. او تا به حال جوایز زیادی دریافت کرده است که از جمله آنها باید به مسابقه جهانی ویلن ریگا، مسابقه جهانی جنواد ایتالیا، مسابقه جهانی موسیقی مجلسی در وچلی، برنده مدال طلای مسابقات جهانی توکیو و برنده جایزه مسابقه جهانی چایکوفسکی در مسکو اشاره کرد. فدوتف به همراه همسرش فدوتف پترا بالاترین درجه هنری دولت روسیه را دریافت کرده است. او به همراه همسرش در روزهای ۱۴ و ۱۵ دی‌ماه ساعت ۲۰ در تالار رودکی رستیتال خواهند داشت و در روزهای ۱۶ و ۱۷دی‌ماه در تالار وحدت ساعت ۲۱،۳۰ کنسرتو ویولن چایکوفسکی را اجرا خواهند کرد. علاقه‌مندان به دیدن این برنامه برای تهیه رسییتال و کنسرت ویلن چایکوفسکی به نوازندگی ماکسیم فدوتف می‌توانند به سامانه فروش بلیت **www.iranconcert.com** مراجعه کنند.

دی‌ماه ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی سازمان نهضت سوادآموزی وظیفه آموزش به بزرگسالان را بر عهده گرفت. این سازمان تا سه سال به صورت شورایی اداره می‌شد تا سرانجام حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی به ریاست آن منصوب شد.

در بخش‌هایی از فرمان سازمان خمینی (ره) آمده بود: «ما باید در برنامه درازمدت فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم و اکنون بدون دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته‌کننده برای مبارزه با بی‌سوادی به‌طور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنیم… برای این امر لازم است تمام بی‌سوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاددان بیابخزند و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات به‌پا خیزد و از تشریفات اداری بپرهیزد… دانه جماعات شهرستان‌ها و روستاها مردم را دعوت نمایند و در مساجد و تکایا باسوادان نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد دهند و منتظر اقدامات دولت نباشند و در منازل شخصی اعضای بی‌سواد را تعلیم کنند و بی‌سوادان از این امر سرپیچی نکنند…» (منبع: هنرآنلاین)